

از شخصیت‌هایی که ادبیات و فرهنگ را پیوند می‌دهند»، عدنان قره‌اسماعیل اوغلو؛ «مثنوی‌های لیلی و مجنون نظامی گنجوی و فضولی»، حجابی قیرلانغیچ؛ «بررسی ترجمه‌های ترکی گلستان سعدی»، دریا اُرس؛ «لطیفه‌ها و نکته‌های انتقادی از جامی حول نقص‌های ادبی و دینی و اجتماعی»، حسن چیفتچی؛ «گویی که شاهنامه تاریخ همه ملت‌هاست»، توفیق سبحانی؛ «در مورد چاپ جدید و بازنگری‌شده ترجمه دیوان کبیر به کوشش عبدالباقی گلپینارلی»، نوری شمشک‌ر؛ «جایگاه دست‌نوشته‌های فارسی در کتابخانه‌های ترکیه»، عسگر دلبرپور؛ «شاهان پارسی گوی عثمانی»، الهامه مفتاح؛ «مجموعه نامه‌های فارسی در منشآت فریدون بیگ»، صونر ایشیمتکین؛ «عمر نصوحی بیلمن و دیوان فارسی‌اش»، اورهان باشاران؛ «کیلیسلی معلم رفعت بیلگه: حلقه‌ای مهم از فعالیت‌های ترجمه فارسی به ترکی در دوران جمهوریت»، یوسف توران گون‌آیدین؛ «سیری در برخی از شرح‌ها و فرهنگ‌ها در آناتولی»، یوسف اوز؛ «روابط عثمانی و ایران به مثابه الگوی اسلامی - شرقی»، رضا دهقانی.

از مقالات این کتاب و نیز از سخنرانی آقای علی بیرنجی، در مراسم افتتاحیه گردهمایی، می‌توان نتیجه گرفت که، بر خلاف سیاست که نقش جداکننده دارد، ادبیات، فرهنگ و منابع معنوی مهم‌ترین گزینۀ ارتباط بین کشورها از جمله ایران و ترکیه است.

مریم درخشان گلریز

گردهمایی‌های علمی با شرکت پژوهشگران دو کشور ترکیه و ایران آغاز شد. این گردهمایی‌ها که با عنوان «روابط ترکیه و ایران از گذشته تا امروز» با همکاری دو سازمان یادشده برگزار می‌شود، از مهم‌ترین کوشش‌های مشترک و ارزشمند مراکز علمی و فرهنگی دو کشور است.

کتاب حاضر دربرگیرنده مجموعه مقالات ارائه‌شده در ششمین گردهمایی مناسبات ایران و ترکیه است که در سال ۲۰۰۹م در آنکارا با عنوان فرعی «تأثیر شخصیت‌های مشترک تاریخی و انعکاس آنها به امروز» برگزار شد. در این گردهمایی، مقالات به زبان ترکی استانبولی یا فارسی ارائه شده و هر مقاله هم‌زمان، به زبان دیگر (ترکی یا فارسی) هم ترجمه شده و در کتاب نیز مقالات به هر دو زبان چاپ شده‌اند و نیز تلاش شده تا مقالاتی که به لحاظ موضوع و محتوا به یکدیگر نزدیک‌اند، در کتاب پشت سرهم قرار گیرند.

لازم به ذکر است که نقش و خدمات عثمانیان در این فرهنگ مشترک، در بیشتر مقالات، برجسته‌تر شده است.

کتاب شامل چهارده مقاله (پنج مقاله به زبان فارسی و نه مقاله به زبان ترکی) است، که عناوین مقالات و اسامی مؤلفان آنها، به ترتیب، بدین شرح است: «تأثیر محیط فرهنگی و ادبی استانبول بر ماوراءالنهر: محیط فرهنگی استانبول در نخستین دهه قرن بیستم و تأثیر بر روشنفکران آسیای میانه»، ابراهیم خدایار؛ «مولانا و سعدی

لایحهٔ تحدید حدود ایران و عثمانی (۱۲۶۶-۱۲۶۸ هجری قمری)، درویش پاشا، ترجمه از ترکی عثمانی: میرزا جهانگیرخان ناظم‌الملک مرندی یکانلو، تصحیح و پژوهش نصرالله صالحی، تهران: طهوری، ۱۳۹۶، ۲۹۸ صفحه.

مناقشات و درگیری‌های ایران و عثمانی بر سر مسئلهٔ تعیین مرزهای دو دولت از گذشته‌های دور تا ابتدای دورهٔ حکومت پهلوی ادامه داشت و هیچ‌گاه مرز بین دو کشور به طور قطع مشخص نشد.<sup>۱</sup> آخرین دورهٔ جنگ‌های ایران و عثمانی، در عهد فتحعلی‌شاه بود که با انعقاد عهدنامهٔ دوم ارزنة‌الروم در سال ۱۲۳۸ ق پایان یافت.<sup>۲</sup> در اواخر دورهٔ محمدشاه بعد از نزدیک به چهار سال مذاکره، عهدنامهٔ دوم ارزنة‌الروم در ۱۲۶۳ ق/ ۱۸۴۸ م منعقد شد (ص ۷). مذاکرات با حضور نمایندگان چهار دولت ایران، عثمانی، روس و انگلیس انجام شد. به موجب مادهٔ سوم عهدنامه می‌بایست کمیسیونی چهار جانبه تشکیل و نسبت به تعیین حدود ایران و عثمانی اقدام کند. رئیس هیئت ایرانی میرزا جعفرخان مشیرالدوله، رئیس هیئت روسی سرهنگ چریکف، رئیس هیئت انگلیسی سرهنگ ویلیامز، و رئیس هیئت عثمانی درویش پاشا بود. کمیسیون تحدید حدود چندبار در محمره و سه‌بار در زهاب تشکیل شد، ولی بدون نتیجه منحل گردید

(ص ۸-۱۸). در نهایت، در اواخر ذیقعدة ۱۲۶۸، مأموریت دول اربعه پایان یافت و قرار بر این شد که مهندسان چهار دولت در پترزبورگ جمع شده و نقشهٔ نهایی را تدوین کنند (همان: ۱۹). سرانجام، بعد از ۲۳ سال، دومین کمیسیون تحدید حدود دو کشور در ذیقعدة ۱۲۹۱/ سپتامبر ۱۸۷۴ در استانبول تشکیل شد و البته مناقشه بر سر شهر قطور همچنان ادامه داشت (همان‌جا) و بالاخره در ۲۶ رجب ۱۲۹۲/ ۲۷ اوت ۱۸۷۵ بار دیگر کمیسیون استانبول تشکیل شد و نمایندگان دول واسطه از ایران و عثمانی خواستند تا حدود تکلیفی خود را مشخص کنند. نمایندگان ایران و عثمانی نیز هر یک لایحهٔ خود را به زبان ترکی ارائه کردند.<sup>۳</sup> درویش پاشا، فرزند مصطفی و از دولتمردان برجستهٔ عثمانی بود که در ۱۲۳۲ ق/ ۱۸۱۷ م در استانبول زاده شد و در ۱۲۵۱ ق/ ۱۸۳۶ م برای ادامهٔ تحصیل به اروپا رفت. در ۱۲۵۶ ق/ ۱۸۴۱ م به استانبول بازگشت و به تدریس فیزیک و شیمی در مکتب طبیة غلظه‌سرای پرداخت. همان‌گونه که بیان شد، وی در ۱۲۶۴ ق/ ۱۸۴۸ م، با عنوان رئیس هیئت عثمانی، در کمیسیون تحدید حدود ایران حضور یافت و در پایان لایحهٔ خود را ارائه کرد. این اثر، با سه عنوان مختلف، چهار بار در استانبول منتشر شد (ص ۲۱۳-۲۱۶).

۱. میرزا سید جعفرخان مهندس باشی مشیرالدوله (۱۳۴۸)، رسالهٔ تحقیقات سرحدیه، به اهتمام محمد مشیری، تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ص ۱۵.

۲. همان، ص ۱۶.

۳. میرزا محبعلی‌خان ناظم‌الملک مرندی یکانلو (۱۳۹۶)، ملاحظیات و محاکمات (دو لایحه در تحدید حدود ایران و عثمانی)، تصحیح و پژوهش نصرالله صالحی، تهران: طهوری، ص ۱۱.

لایحه درویش پاشا گزارشی است دقیق که برای تأمین هرچه بیشتر منافع دولت خود نگاشته است و، در این راه، حتی از دروغ و تقلب و خدعه و نیرنگ و جعل سند و... فروگذار نکرده است (ص ۲۲). لایحه درویش پاشا را میرزا جهانگیرخان، فرزند میرزا محبعلی خان، به فارسی ترجمه کرده است. وی، پس از اتمام تحصیلات، به استخدام وزارت خارجه درآمد و به مناصب بالایی دست یافت و مأموریت‌هایی در بغداد و استانبول به او واگذار شد. او، در کنار پدرش، در مأموریت‌های مختلف تعیین حدود در غرب و شرق کشور حضور پیدا کرد و بعدها به تنهایی نیز به مأموریت‌هایی فرستاده شد. از او آثاری به جا مانده (ص ۱۷۶-۱۹۹)، ولی در فهرست آثارش به ترجمه لایحه درویش پاشا اشاره‌ای نشده است. مصحح محترم، درباره این اثر و ترجمه آن و انتساب آن ترجمه به جهانگیر میرزا، در مقدمه خود آورده:

در نسخه ترجمه حاضر به مشخصات مترجم و زمان ترجمه اشاره نشده است. مترجم در آغاز ترجمه تنها در چند سطر به معرفی اثر پرداخته است. فهرست‌نویس نسخه‌های خطی در توضیحات خود بر اساس نامه‌ها و رسیدهای مربوط به ناظم‌الملک ... می‌نویسد: «این نامه‌ها نشان می‌دهد این نسخه، نسخه شخصی میرزا جهانگیرخان ضیایی است». ... به جز استناد فهرست‌نویس به «نامه‌ها و رسیدهای» ضمیمه نسخه، در آغاز نسخه خطی دو غزل

آمده که، در بیت پایانی هریک، تخلص شعری میرزا جهانگیرخان، یعنی «ضیایی»، به چشم می‌خورد... لذا تردیدی در انتساب این دو غزل به او و نیز ترجمه اثر درویش پاشا که در ادامه غزل‌های مزبور آمده است، نیست (ص ۳۷-۳۸). مترجم به هردو زبان مسلط بوده و در ترجمه نهایت دقت و امانت‌داری را به کار برده است (ص ۳۸). دکتر صالحی، در توضیح نسخه، بیان می‌کند که نسخه خطی اثر به خط تحریری مایل به شکسته نستعلیق در ۹۲ برگ ۱۹ سطر به شماره ۱۷۹۵۶ در کتابخانه ملی موجود است (همان‌جا). کتاب لایحه تعیین حدود ایران و عثمانی را دکتر صالحی، با مقدمه‌ای منقح و پربار، به چاپ رسانده‌اند. درویش پاشا، در مجموع، در ۱۲۳ بند به طرح ادعاهای خود پرداخته است. لایحه با بحث پیرامون مالکیت محرمه آغاز شده؛ و در ادامه، نویسنده به دیگر مناطق سرحدی دو کشور پرداخته است.

دکتر صالحی، در پایان متن اثر، چند پیوست مفید بر کتاب افزوده‌اند: (۱) رساله تذییل (در نقد و رد لایحه درویش پاشا)، تألیف میرزا محبعلی خان ناظم‌الملک؛ (۲) دو شعر از میرزا جهانگیرخان که در ابتدای نسخه خطی آمده؛ (۳) زندگی، آثار و اقدامات میرزا جهانگیرخان ناظم‌الملک مرندی یکانلو؛ (۴) مشاغل و مناصب میرزا جهانگیرخان ناظم‌الملک بر مبنای سال‌شمار؛ (۵) نامه ناظم‌الملک به مؤتمن‌الملک؛ (۶) قصیده ناظم‌الملک «در کمیسیون سرحدی آذربایجان،

وی رسید و چهار دهه از زندگی خود را وقف  
تحدید حدود ایران و عثمانی کرد. در اواخر عمر،  
مسئول تعیین مرزهای شرقی کشور شد و در این  
مسئولیت نیز از خود شایستگی‌های زیادی نشان  
داد. وی در ۱۳۰۹ق در تهران درگذشت. از او آثار  
متعددی چون لایحه معتمدالسلطان میرزا محبعلی  
خان، حقوق بین‌الملل، لایحه تاریخیه تحدید حدود  
ایران و عثمانی، و لایحه تحدید حدود ایران و عثمانی  
به جا مانده است<sup>۱</sup>. همان‌گونه که بیان شد، وی  
سال‌های زیادی را صرف تعیین حدود ایران و  
عثمانی کرد و کتاب حاضر را در این خصوص به  
رشته تحریر درآورد. این اثر مشتمل بر سه نوشته  
مستقل و البته مرتبط با هم است با عنوان «لایحه»،  
«لاحقه» و «تذنیل».

اولین نوشته «لایحه» نام دارد. میرزا محبعلی  
این لایحه را در جواب لایحه درویش پاشا نوشت.  
در جریان تعیین حدود ایران و عثمانی، نمایندگان  
دو کشور یعنی محبعلی خان و درویش پاشا هم‌زمان  
لایحه‌ای مبنی بر دعاوی خود، در یکی از جلسات  
کمیسیون، ارائه کردند که لایحه میرزا محبعلی خان  
به زبان ترکی (همراه با ترجمه فرانسسه و فارسی  
آن) بود. درویش پاشا در لایحه خود، با استناد به  
عهدنامه سست و بی‌پایه سلطان مراد چهارم و شاه  
صفی، ادعاهای ناستواری در خصوص مرزهای دو

ایام اقامت در سلدوز»؛ ۷) درویش پاشا: رئیس  
هیئت عثمانی در کمیسیون تحدید حدود؛  
۸) سال‌شمار روابط ایران و عثمانی با تأکید بر  
تحدید حدود (۱۸۳۸-۱۸۵۴م / ۱۲۵۳-۱۲۷۰ق)؛  
۹) گزیده تصاویر اسناد و اشخاص.

در پایان کتاب، نمایه‌های اشخاص، جای‌ها،  
ایلات و عشایر و طوایف و اقوام، اصطلاحات  
سیاسی و اقتصادی و ارضی و حقوقی آمده است.  
کتاب، در مجموع، حاوی اطلاعات دست اول  
و مهمی درباره روند تحدید حدود ایران و عثمانی  
است؛ لذا برای پژوهش در روابط ایران و عثمانی  
به‌ویژه مسائل مربوط به تعیین مرزهای دو کشور  
مفیدند.

#### فهیمة سیفی

ملاحظات و محاکمات (دو لایحه در تحدید  
حدود ایران و عثمانی)، ۱۲۹۲ هجری قمری،  
میرزا محبعلی خان ناظم‌الملک مرندی یکانلو،  
تصحیح و پژوهش نصرالله صالحی، طهوری،  
تهران ۱۳۹۶، ۲۷۶ صفحه.

میرزا محبعلی خان ناظم‌الملک مرندی یکانلو، فرزند  
میرزا تقی از اولاد میر قیلینج بابا، از منشیان دربار  
محمدشاه قاجار بود. از تاریخ تولد محبعلی خان  
اطلاع درستی در دست نیست. وی در دارالفنون  
در رشته نظام تحصیل کرد و سال‌های متمادی به  
عنوان منشی و دستیار میرزا جعفرخان مشیرالدوله  
در کمیسیون تحدید حدود ایران و عثمانی خدمت  
کرد و بعد از درگذشت او (۱۲۷۹ق) به جانشینی

۱. برای آگاهی بیشتر ← نصرالله صالحی، «میرزا  
محبعلی خان ناظم‌الملک مرندی یکانلو، دولتمردی  
ناشناخته از عصر ناصری»، فصلنامه تاریخ ایران، شماره ۱۸  
(۷۶/۵)، تابستان - پاییز ۱۳۹۴، ص ۱۴۵-۱۷۲.

به مهم‌ترین منابع تاریخ عثمانی استناد کرده و گاه با منابع تاریخی ایران نیز مقایسه کرده است، همچنین از منظر زبان‌شناسی، به اسامی فارسی و لری مناطق و عوارض جغرافیایی مورد ادعای نمایندگان عثمانی استناد و ادعاهای آنها را رد کرده است (← ص ۸۹-۱۷۵).

آخرین نوشته این اثر «تذیل» نام دارد. این نوشته کوتاه نیز ردیه‌ای است بر ادعاهای درویش پاشا در رسالهٔ تحدید حدود ایرانیه، که آن را در ۱۲۶۹ق / ۱۸۵۳م تألیف کرده است (← ص ۱۷۷-۱۹۰).

اثر حاضر را دکتر نصرالله صالحی تصحیح کرده و مقدمه‌ای جامع در ابتدای آن نگاشته‌اند. بعد از پایان متن کتاب، چند پیوست بدین شرح آمده است: پیوست ۱: مشخصات رسائل و مکاتبات میرزا محبعلی خان ناظم‌الملک در وزارت امور خارجه، دربارهٔ حدود ایران و عثمانی و مرزهای شرقی؛ پیوست ۲: درویش پاشا، رئیس هیئت عثمانی در کمیسیون تحدید حدود؛ پیوست ۳: خورشید پاشا، منشی و کاتب درویش پاشا و نویسندهٔ کتاب سیاحتنامهٔ حدود و رسالهٔ تحدید حدود ایرانیه. در ادامه نیز تصاویر صفحاتی از نسخه‌های خطی همچون صفحات ۲ و ۳ و ۱۵ و ۱۶ و صفحهٔ آخر لایحهٔ میرزا محبعلی خان در جواب لایحهٔ درویش پاشا؛ صفحات ۱-۴ و صفحهٔ پایانی لایحه؛ صفحات ۲-۳، ۳۶-۳۷، و ۱۷۰-۱۷۱ رسالهٔ تحدید حدود درویش پاشا؛ و بسیاری تصاویر دیگر قرار داده شده و در انتها نیز نمایه‌های اشخاص،

کشور مطرح می‌کند که میرزا محبعلی خان، پس از آگاهی از آن، ردیه‌ای قوی و منطقی با استناد به دلایل قانونی و حقوقی می‌نویسد (← ص ۳۳). او در این لایحه تأکید کرده که تعیین حدود دو کشور باید با توجه به مفاد معاهدهٔ ارزنة الروم دوم تعیین شود و لذا معاهده‌ها و قوانین فسخ‌شدهٔ گذشته فاقد اعتبار است. وی در این لایحه، با ارجاع و استناد به منابع تاریخی عثمانی و منابع دیگر و با استناد به سنت و سوابق عشایر مرزی ایران در بیلاق و قشلاق و حق مراعی آنها و نیز استناد به نظام زمین‌داری و زراعی و نوع مالیات‌های مرسوم منطقه و هویت ایلات و عشایر منطقه و بسیاری مستندات دیگر، از تمام حدود مرزی ایران اعم از نواحی عراقین و کردستان و ارمنیه، هویزه، اورامان، مریوان و... دفاع کرده است (← ص ۳۴-۸۸).

بخش «لاحقه» در نقد و رد سیاحتنامهٔ خورشید پاشا و بلافاصله بعد از لایحه نگاشته شده است. خورشید پاشا کاتب درویش پاشا بود، که هنگام گردش در حدود، سیاحتنامهٔ خود را به رشتهٔ تحریر درآورده و در این اثر سعی کرده که مطالب را به صورتی تحریر کند که به نفع دولت عثمانی باشد؛ با این حال، به بیان محبعلی خان، در اغلب موارد، برای خط مرزی ایران همان حدودی را نوشته که در لایحهٔ سرحدیه تعیین شده بود (← ص ۱۹). این بیان مشخص می‌کند که محبعلی خان تمام سیاحتنامه را مطالعه کرده و برای هر قسمت آن، با ادلهٔ قوی و منطقی، ردیه نگاشته است. وی، برای اثبات نظرات خود،

موضوع کتاب ایرانیان استانبول، به طور عمده، فعالیت و حضور ایرانیان در استانبول در اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ میلادی است.

در این اثر مسئله تاریخ روابط ترکیه و ایران و همچنین تاریخچه تحولات ترکیه و ایران در عصر انقلاب‌های مشروطه مد نظر قرار گرفته است. اما ارزش بالای این کتاب اساساً بدان جهت است که به رساترین شیوه ممکن، تحولات، اوضاع، موقعیت‌ها و موضعگیری‌های همواره دشوار را تشریح می‌کند.

جامعه ایرانیان مقیم ترکیه مذهب شیعه داشتند و اجرای آئین‌های خاص این مذهب یکی از راه‌های حفظ هویت ایرانی در محیطی بود که سنتی‌ها در آنجا اکثریت جامعه مذهبی را تشکیل می‌دادند. به نظر می‌رسد آنچه از شیعه در استانبول به طرزی آشکار و قوی ارائه می‌شد، به طور مستقیم با حضور ایرانی‌ها در این شهر ارتباط دارد؛ هر چند برخی شخصیت‌های معروف به طور کامل به شیعه نگرویدند.

یکی دیگر از فعالیت‌های ایرانیان مقیم استانبول توسل به انجمن‌ها، روزنامه‌ها و به طور کلی طبع و نشر بود و از این ابزارها برای تحقق مطالبات قانونی خود استفاده می‌کردند. در چنین شرایطی مطبوعات بسیاری توسعه پیدا کرد. گروهی نیز به ادبیات روی آوردند و سرودن شعر، تحریر آثار تاریخی، آثار انقلابی و ترجمه‌های متنوع از جمله فعالیت‌های آنان بود.

ایرانیان مقیم استانبول بیشتر تاجرانی

مکان‌ها، اصطلاحات سیاسی و اقتصادی و ارضی و حقوقی، اسامی ایلات و عشایر و طوایف و اقوام، و کتاب‌ها آمده، که در فهم مطالب کتاب بسیار سودمند است.

این کتاب بدین لحاظ که حدود مرزی ایران و عثمانی را در آن زمان، با اسناد و مدارک مشخص می‌کند بسیار اهمیت دارد. علاوه بر این، با مطالعه این کتاب، به مهارت میرزا محبعلی خان در نقد و انتقاد نیز می‌توان پی برد و او را یکی از پیشگامان فن نقد دانست. همچنین این اثر به عنوان منبعی برای آگاهی از ضبط صحیح اسامی اشخاص و مکان‌های جغرافیایی و اقوام و... کارآمد است. مثلاً خورشید پاشا در رساله خود، به عمد، برخی اسامی جغرافیایی را تحریف کرده که محبعلی خان ضمن اشاره به آن، اسامی صحیح را ثبت کرده است. ارزش این اثر، با توضیحات و تعلیقات مصحح محترم، دوچندان شده است.

فهمیده سیفی

*Les Iraniens D'Istanbul*, Thierry ZARCONE et Fariba ZARINEBAF-SHAHR, Téhéran: Institut Français de Recherche en Iran, Edition Tus, 1993, 307 (17+280+10) pages.

ایرانیان استانبول، زیر نظر تیئری زرکن و فریبا زرین‌باف‌شهر، انجمن ایران‌شناسی فرانسه، انتشارات توس، تهران ۱۳۷۳، ۳۰۷ (۱۷ + ۲۸۰ + ۱۰) صفحه.

آذری زبان و اغلب اهل تبریز بودند و، از طریق ترابزون، نقش پل رابط را میان ترکیه و ایران ایفا می‌کردند.

در این اثر، پس از پیشگفتار (به قلم ژاک تویی) و مقدمه (به قلم تیئری زرکن)، پنج فصل مشتمل بر مقالاتی به زبان فرانسه و بعضاً انگلیسی، به شرح زیر، آمده است:

**فصل اول، نقاط مشترک و خصوصیات** روشنفکران ایرانی و ترک، شامل هشت مقاله بدین شرح: «نقش ایرانیان استانبول در روند نوسازی ایران» (جمشید بهنام)؛ «حضور سیاسی ایرانیان در استانبول و دیگر نقاط امپراتوری عثمانی (۱۸۴۸-۱۹۰۸)» (یوهان اشتراس)؛ «شرکت نمایندگان سیاسی ایران در لژهای فراماسونری استانبول» (حمید الگار)؛ «میرزا آقاخان، سید جمال‌الدین و ملکم خان در استانبول (۱۸۶۰-۱۸۹۷)» (هما ناطق)؛ «تصویر ایران در دو روزنامه دوران عثمانی:

بیان الحق و طنین (۱۹۰۸-۱۹۱۲)» (فاروق بیلیکی)؛ «ایران از دیدگاه یک روشنفکر ترک در اوایل قرن بیستم» (فرانسوا ژورژن)؛ «انجمن سعادت ایرانیان استانبول» (حجت‌الله جودکی)؛ و «بانوان ایرانی قسطنطنیه» (بیناکاماریا اسکارسیا - آمورتی).

**فصل دوم، تشیع در دنیای تستن، شامل** دو مقاله به این شرح: «وضعیت مذهب شیعه در استانبول در اواخر قرن ۱۹ م و اوایل قرن بیستم میلادی» (تیئری زرکن)؛ «مراسم عزاداری ماه محرم در استانبول در اواخر قرن ۱۹ م و اوایل قرن بیستم میلادی» (اریکا گلاس).

**فصل سوم، ادبیات فارسی در استانبول، شامل** شش مقاله بدین شرح: «اختر روزنامه فارسی‌زبان استانبول» (اورهان کولوگلو)؛ «روزنامه فارسی‌زبان اختر، منعکس‌کننده افکار سیاسی عثمانیان» (آنیاپیستور - حاتم)؛ «ادوارد براون و جامعه ایرانی استانبول» (جان گرنی)؛ «ادبیات فارسی در میان ایرانیان دور از وطن: استانبول (بین سال‌های ۱۸۶۵ و ۱۸۹۵)» (کریستف بالائی)؛ «ملاک انتخاب کتاب حاجی بابا برای ترجمه» (جیانروبرتو اسکارسیا)؛ «وضعیت ایرانیان قاهره در آغاز قرن بیستم» (آنیالوزینک).

**فصل چهارم، مناسبات اقتصادی: از تجارت** تأسیسات، شامل دو مقاله به این شرح: «نقش جامعه تجارت ایرانی امپراتور عثمانی در انقلاب مشروطیت» (فریبا زرین‌باف شهر)؛ «استانبول و تجارت فرش ایران از سال‌های ۱۸۷۰» (تسوتومو ساکاموتو).

**فصل پنجم، چند مقاله متفرقه، به این شرح:** «ایام محرم در استانبول» (و. آ. گوردلوسکی)؛ «علی‌اکبر دهخدا و روزنامه سروش در استانبول» (تیئری زرکن)؛ «ماجرای محله تخته‌قلعه (Tahtakale): روابط ایرانیان استانبول و مقامات عثمانی» (سینان کونرالپ)؛ «یادداشتی بر چند سند مربوط به جامعه ایرانیان در دوران امپراتوری عثمانی - ضبط در آرشیو بانک شاهی عثمانی» (ادهم الدم).

پس از مقالات، به ترتیب، نمایه کلی کتاب، فهرست تصاویر، فهرست مطالب، و فهرست

آن نسبت به فرهنگ‌های کهنی، مانند قاموس ترکی<sup>۱</sup>، و فرهنگ‌های متأخر و جامعی همچون فرهنگ بزرگ ترکی (ده‌جلدی)<sup>۲</sup> استفاده از شواهدی از متون قدیم و مبتنی بر پیکره است؛ چراکه در قاموس ترکی فقط در اندک مواردی مثال‌های کوتاه بدون ذکر منبع ذکر شده و در فرهنگ بزرگ ترکی نیز هیچ شواهدی از متون ارائه نشده است.

در مقدمهٔ جلد نخست این فرهنگ دربارهٔ منابع مورد استفاده چنین توضیح داده شده است: در بین سال‌های ۱۹۴۳م تا ۱۹۵۶م چهار کتاب با عنوان فرهنگ پیکره‌بنیاد به چاپ رسیده بود که شیوه و محتوای مشابهی داشتند؛ اما مدخل‌هایی که در هر کدام از این چهار کتاب گزینش و تعریف شده بود، به طور جداگانه، فقط مربوط به ۳۰ تا ۵۰ اثر می‌شد و در یکی از آنها اگر مدخلی وجود نداشت لازم بود که به دیگری مراجعه شود. گاهی نیز یک لغت در همهٔ این کتاب‌ها به منظور ذکر معناهای مختلف آورده می‌شد. مجموع منابع این کتاب‌ها، برای استخراج شواهد و مدخل‌گزینی، ۱۶۰ اثر بود. تدوین چنین اثری با داده‌های اسکن‌شده و چاپ مجموعهٔ شواهد متعلق به ۳۰ تا ۵۰ اثر به صورت فرهنگ‌های جداگانه و پاسخگو بودن به نیازهای افراد بسیاری در کوتاه‌ترین زمان زایندهٔ تفکری خلاق است.

اما اثری که اکنون معرفی می‌شود، ضمن اینکه

کتاب‌های چاپ انجمن ایران‌شناسی فرانسه آمده و در پایان، فهرست مطالب به فارسی درج شده است.

مقالات این کتاب می‌تواند الهام‌بخش تحقیقات جدید در زمینه‌های مختلف بر روی استانبول و ایرانیان مقیم آنجا و نیز زبان فارسی باشد.

آزاده جلالی

**Tarama Sözlüğü, XIII. Yüzyıldan beri Türkiye Türkçesiyle Yazılmış Kitaplardan Toplanan Tanıklarıyla, Ömer Asım Aksoy ve Dehri Dilçin (haz.), 8 cilt, 4. Baskı, Ankara: Türk Dil Kurumu, 2009.**

فرهنگ پیکره‌بنیاد (*Tarama Sözlüğü*) لغتنامه‌ای است یک‌زبانه شامل معانی و شواهد مربوط به کلمات و عبارات ترکی استانبولی. این فرهنگ براساس پیکره‌ای حاوی داده‌های ۲۲۷ اثر متعلق به قرن ۱۳ به بعد تهیه شده که کلمات و عبارات مندرج در این داده‌ها امروز دیگر کاربرد ندارند یا معنا و شکلی دیگر یافته‌اند. این فرهنگ هشت‌جلدی، در سال ۲۰۰۹م، در آنکارا، به همت مؤسسهٔ زبان‌شناسی ترکیه به چاپ چهارم رسیده و چاپ اول آن در سال ۱۹۶۳م بوده است. همان‌طور که اشاره شد، این فرهنگ به طور تخصصی به واژگان و عبارات کهن و منسوخ یا تغییرشکل‌یافته در زبان ترکی استانبولی متمرکز شده است، اما ویژگی ممتاز

1. *Kamus-i Türki*, Şemseddin Sâmî, 1850-1904

2. *Büyük Türkçe Sözlük*, Yaşar Çağbayır, 2016



محتوای آن چهار فرهنگ را در خود جمع آورده است. کاستی‌های موجود در آنها را ندارد و برای تکمیل و ارتقای کیفیت فرهنگ، از راهکارهای زیر استفاده کرده است:

(۱) در این فرهنگ شواهد ۶۷ اثر دیگر به مجموع شواهد متعلق به چهار کتابی که مبنای کار فرهنگ پیکره‌بنیاد بوده (مبتنی بر ۱۶۰ اثر) افزوده شده است.

(۲) شواهد نشان می‌دهد که کلماتی که سرمدخل‌اند چگونه با حروف قدیمی (الفبای ترکی عثمانی) نوشته می‌شده‌اند؛ مثال:

**barımmak**: Geçinmek, kendini yaşamak.

Yemiş mişede bulunur idi bol

Anı yeyüben barınur idi بارینوریدی ol  
(*Süh.* XIV.229)

§ Remle'de bir yiğit... ton bağışladı, altun verdi, bu zamanedek anınla barındım  
آن باریندم , şimdiki halde bir dinarım kaldı  
beş günlük nefekedir. (*Ferec.* XV. 228)

(۳) در سرمدخل‌ها از علامت‌های  $\hat{h}$ ,  $\hat{a}$ , استفاده شده است.

(۴) برای هر شاهد، برخلاف چهار فرهنگ مذکور، شماره صفحه هر منبع داده شده است.

(۵) وندها، در چهار کتاب مورد استفاده برای فرهنگ پیکره‌بنیاد، در لابه‌لای واژه‌ها مدخل شده بودند، اما در این اثر وندها به جلدهای دیگری انتقال یافته‌اند.

مانند آن چهار کتاب که مبنای کار این فرهنگ پیکره‌بنیاد بوده‌اند، در تدوین این اثر نیز از فیش‌های شواهد رئیس بخش اسکن و مونتاژ مؤسسه زبان‌شناسی ترکیه، عاصم آکسوی، و نیز دهری دیلچین، از کارشناسان مؤسسه، بهره برده شده است.

نکات اساسی درباره شیوه تدوین و ویرایش این فرهنگ به شرح زیر است:

(۱) هر واژه سرمدخل حداقل یک شاهد دارد و هیچ مدخلی بدون شاهد نیست.

(۲) واژه سرمدخل در درون شاهد به هر معنایی که به کار رفته در فرهنگ نیز همان معنا برای آن داده شده است. اگر برای واژه معانی دیگری نیز یافت شده باشد اما شاهدهی برای آن معنی در منابع وجود نداشته باشد، آن معنی ذکر نشده است.

(۳) در انتهای هر شاهد، منبعی که آن شاهد از آن آورده شده با عنوان اختصاری نشان داده شده است؛ فهرست این عناوین اختصاری در کتاب درج شده است.

(۴) قرن مربوط به هر شاهد با ارقام رومی نشان داده شده است.

(۵) پس از ارقام رومی شماره صفحه منبع ذکر شده است. ترتیب اطلاعات مربوط به شماره‌های ۳، ۴، ۵ در داخل پرانتز به صورت یکجا بدین قرار است: (Fazilat. XVI. 150)؛ این آدرس مربوط به شاهدهی است که در قرن شانزدهم در اثری به نام فضیلت‌نامه در صفحه ۱۵۰ آمده است.

(۱۱) وندهایی که در محدود کلماتی دیده شده‌اند نیز، علاوه بر اینکه خودشان در جلد ویژه وندها مدخل شده‌اند، کلمات دارای این وندها نیز به طور جداگانه مدخل شده‌اند؛ مثل 'acılaca':

**acılaca:** Aç olarak, aç acına.

§ Rayyık ریق [Ar.] : Nesne duran erdir. آجلهجه yimeyüp acılaca  
(Bab. XVI. 2, 337)

(۱۲) اگر کلمه‌ای دارای معانی متفاوت باشد، این معانی، پس از ذکر سرمدخل با شماره‌های ۱ و ۲ و ۳ و... به ترتیب، در ذیل آن درج و برای هر معنی نیز شواهد مناسب با آن معنی آورده شده است.

(۱۳) اگر کلماتی که ربطشان به یکدیگر مشخص نیست بیش از یک معنی داشته باشند، آن کلمات برای هر معنی به طور مکرر سرمدخل قرار گرفته و با ارقام (I)، (II)، ... تفکیک شده‌اند.

(۱۴) کلماتی که از کتاب‌های فارسی یا عربی گزینش شده‌اند با حروف اختصاری (Ar.)، (Fa.) مشخص شده‌اند.

(۱۵) برای سهولت استفاده، شواهد منثور از شواهد منظوم با علامت § متمایز شده‌اند.

از مهم‌ترین ویژگی‌های دیگر این فرهنگ ارائه راهنما و قواعدی است که برای نشان دادن تلفظ و نیز در املاهای کلمات به کار رفته است تا کاربر فرهنگ به هر دو املاهای جدید و قدیم دسترسی داشته باشد. در مجموع، این فرهنگ، به لحاظ

در برخی از آثار، به جای شماره صفحه، شماره ورق (برگ) درج شده است. در آن صورت، بعد از ارقام رومی که شماره صفحه می‌آید، به شماره ورق، ارقام ۱ یا ۲ با یک خط تیره اضافه می‌شود: (Yüz. Hamdi.) (Terceman. XVI. 14-2) (XV. 139-1)، که اعداد در این نمونه‌ها اولین صفحه از برگ ۱۳۹ و دومین صفحه از برگ ۱۴ را نشان می‌دهد.

(۷) برخی از اثرهای اسکن شده چندجلدی‌اند؛ برای این آثار، قبل از شماره صفحه، شماره جلد با یک ویبرگول قرار می‌گیرد: (Muslim. XV. 1, 110)؛ از این رو، اعداد در این نمونه، جلد اول از صفحه ۱۱۰ را نشان می‌دهد.

(۸) شواهد در فرهنگ، به ترتیب، از قدیم به جدید درج شده‌اند (که در مثال پیشین نیز مشاهده می‌شود).

(۹) در شواهد، برخی کلمات که املاهای چندگانه دارند، با اساس قرار دادن یک املا، شکل‌های دیگر در پرانتز کنار املاهای اساس ذکر شده است؛ مانند:

añaru, (añarı)...

bednus, (bedinus, bidnus, tebnus)...

(۱۰) این املاهای دیگر در جای خود در فرهنگ مدخل شده‌اند، ولی با علامتی ربط آنها به املاهای اساس نشان داده شده است؛ بدین ترتیب:

ağılınmak: → ağullanmak

bidnus: → bednus...

tebnus: → bednus...

تخصصی بودن و ارائه شواهد کافی از متون کهن ترکی، فارسی و عربی، ممتاز است و منبع پژوهشی بسیار خوبی برای علاقه‌مندان و محققان به شمار می‌رود.

سیده زیبا بهروز

*Türk Hat San'atından Seçmeler,*  
M. Uğur DERMAN, Ankara: Atatürk  
Kültür Merkezi, 2017, 670 Sayfa.

گزیده‌ای از هنر خوشنویسی ترک، م. اوغور درمان، آنکارا: مرکز فرهنگی آتاتورک، ۲۰۱۷م، ۶۷۰ صفحه.

این کتاب، چنان‌که از نامش پیداست، گزیده‌ای است از آثار خوشنویسان ترک، که به کوشش پروفیسور اوغور درمان (۱۹۳۵ - م) گردآوری شده و به همت مرکز فرهنگی آتاتورک در سال ۲۰۱۷م به چاپ رسیده است. اثر شامل دو بخش است؛ بخش اول به مباحثی درباره هنر خوشنویسی، و بخش دوم به معرفی آثار گردآوری شده اختصاص دارد.

کتاب با مقدمه‌ای آغاز شده که مؤلف در آن به زمینه خلق این اثر و انگیزه تدوین آن اشاره کرده و، هم‌زمان با بیان روش تألیف، به تفصیل از تمام افرادی که در مراحل مختلف تدوین اثر او را یاری کرده‌اند، نام برده و سپاسگزاری کرده است.

پس از مقدمه، پروفیسور اوغور درمان در «یادداشتی خطاب به خوانندگان»، به اجمال به محتوای دو بخش اصلی کتاب اشاره کرده و، برای

سهولت استفاده و بهره‌مندی بهتر از مطالب کتاب، نکاتی را به خوانندگان متذکر شده است؛ از جمله درباره اختلاف تاریخ میلادی و هجری توضیح مختصری داده و فرمولی برای تبدیل تاریخ هجری به میلادی ارائه کرده است. همچنین به این نکته اشاره کرده که در معرفی آثار ترجیح داده شده، به جای ارائه اطلاعات محدود به شیوه معمول در فهرست‌نویسی، از شیوه توضیح و تفسیر استفاده شود، که این توضیحات، برای تمایز بیشتر، با رنگی متفاوت حروف‌نگاری شده است. علاوه بر اینها، در این یادداشت توضیحاتی در مورد نشانه‌های به کار رفته برای تلفظ صحیح اسامی؛ نوع یا رنگ حروف استفاده شده در حروف‌نگاری برای تفکیک مطالب؛ و نکته‌ای در مورد اسامی خاص عربی، فارسی و ترکی آمده است.

پس از یادداشت مؤلف، فهرست مندرجات کتاب و سپس فهرست آثار منتخب از خوشنویسان ترک، مشتمل بر نام ۱۲۰ خوشنویس آمده، که با نام شیخ حمدالله (۸۳۳-۹۲۶ق/۱۴۲۹-۱۵۲۰م) آغاز شده و با نام حامد آیتاچ (۱۳۰۹-۱۴۰۲ق/۱۸۹۱-۱۹۸۲م) پایان یافته است. پس از این فهرست نیز، فهرست الفبایی اسامی این خطاطان درج شده است.

در ادامه، فهرست اختصارات به کاررفته در کتاب و سپس نمایه‌ای از مجموعه‌های هنری که در این اثر از آنها نام برده شده، قرار گرفته است.

چنان‌که پیش‌تر اشاره شد، این کتاب در دو بخش تدوین شده است: در بخش اول با عنوان کلی «درباره هنر خوشنویسی»، ابتدا مؤلف این هنر را از

زمان پیدایش تا قرن بیستم بررسی کرده و پس از آن، به معرفی و شرح ابزار و ادوات هنر خوشنویسی، همچون قلم، قلم‌تراش، کاغذ، مرکب سیاه و مرکب‌های رنگی، مسطر، زیرمشق/زبردستی، و قیچی کاغذ پرداخته است. در ادامه، جایگاه ترک‌ها در هنر خوشنویسی بررسی شده است. سپس مؤلف به اقلام سته (خطوط شش‌گانه) اشاره کرده و آنها را به سه گروه دوتایی شامل ثلث - نسخ، محقق - ریحانی، و توقیع - رفاع تقسیم کرده و هر جفت را به مناسبتی تابع یکدیگر دانسته است. وی، در ادامه بحث اقلام سته، به توضیح خط تعلیق، خط دیوانی و دیوانی جلی و همچنین طغرا می‌پردازد.

پس از مبحث انواع خطوط، جایگاه عثمانیان در هنر خوشنویسی مطرح شده و به دو خط رقع و سیاقات که در میان نوشته‌های دوره عثمانی دیده می‌شود، اشاره شده است. تزئینات خوشنویسی مطلب دیگری است که مؤلف در بخش اول به آن پرداخته و از آن به عنوان هنری مستقل یاد کرده که شامل تذهیب و ابری‌سازی است.

در ادامه مباحث بخش اول، ذیل عنوان «عرضه‌های کاربردی هنر خوشنویسی»، به ترتیب، کتاب‌ها، قطعه‌ها، مرقع‌ها، لوحه‌ها، کتیبه‌ها، حلیه‌ها، و نیز فرمان‌ها، برات‌ها و منشورها نام برده شده‌اند. سپس نکاتی درباره تعلیم و پرورش خوشنویس تا رسیدن به مهارت و پختگی مطرح شده است. در نهایت، مؤلف بخش آغازین کتاب را با مطالبی درباره خوشنویسی در عصر حاضر به پایان رسانده است.

در بخش دوم کتاب، با عنوان «گزیده‌هایی از هنر خوشنویسی ترک»، ۱۸۸ اثر خوشنویسی شاخص از خوشنویسان ترک معرفی شده، که با تصاویر زیبای این آثار همراه است. در این بخش، آثار برگزیده به ترتیب تاریخی و به تفکیک خوشنویسان آثار مرتب و تنظیم شده‌اند. بدین صورت که ذیل نام هر خوشنویس، ابتدا شرح حال مختصر او آمده و پس از آن، آثار شاخص وی قرار گرفته است. اطلاعات ارائه شده در مورد هر اثر، به ترتیب، بدین شرح است: نوع اثر (مصحف، قطعه، مرقع، لوحه، ...؛ محل یا مأخذ اثر؛ تاریخ کتابت اثر (در صورت مشخص بودن)؛ نوع خط؛ نام خوشنویس؛ نام مذهب (در صورت معلوم بودن)؛ ابعاد اثر؛ شماره صفحه (در مورد آثار برگرفته از کتاب یا مجموعه)؛ تعداد سطور (در مورد آثار برگرفته از کتاب یا مجموعه)؛ نحوه کتابت اثر (شامل نوع کاغذ و نوع و رنگ مرکب)؛ متن و محتوای اثر (در صورت لزوم)؛ و ایضاحات، شامل اطلاعاتی که مؤلف درباره خط اثر و تزئینات آن افزوده است.

آثار گردآوری شده، بدون در نظر گرفتن تفکیک خوشنویسان آنها، به ترتیب از ۱ تا ۱۸۸ شماره‌گذاری شده‌اند و برای هر اثر یک یا چند تصویر در نظر گرفته شده است.

در انتهای کتاب، به پیوست، شجره خطاطان آمده که، پیش از آن، مؤلف مهم‌ترین عامل پیشرفت و گسترش هنر خوشنویسی در میان عثمانیان را برقراری رابطه استوار استاد و شاگردی بیان کرده و، برای نشان دادن این ارتباط، چهار

جستجوی اسامی خوشنویسان، شماره صفحه مربوط به هر خوشنویس در کنار یا در زیر نام او در داخل پرانتز آمده است و اگر نام خوشنویسی در شجره‌نامه باشد که آثار او در این مجموعه یافت نشود، تاریخ حیات وی — در صورت مشخص بودن — در داخل پرانتز قید شده است.

کتاب با نمایه نام‌های خاص و مشخصات کتاب‌شناسی منابع مورد استفاده مؤلف پایان یافته است.

این اثر ارزشمند، که با چاپی بسیار نفیس منتشر شده، برای علاقه‌مندان به هنر خوشنویسی عثمانی بسیار سودمند است.

آزاده اتکال

شجره‌نامه جداگانه تنظیم کرده است. اولین شجره مربوط به «شیوه قره‌حصاری» است؛ شجره دوم مربوط به «مکتب محمود جلال‌الدین» است که از اواخر قرن هجدهم میلادی تا انتهای قرن نوزدهم تداوم داشته است. شجره سوم، با عنوان «شجره خوشنویسان تعلیق»، نشان‌دهنده تداوم و گسترش خطی است که در ایران با نام نستعلیق و در سرزمین عثمانی با نام تعلیق شناخته می‌شد؛ و در رأس آن میرعماد حسنی (وفات: ۱۱۵۴/۱۶۱۵م) قرار دارد. چهارمین و مفصل‌ترین شجره، «شجره خوشنویسان اقلام سته» است که از پرچمدار خوشنویسی عثمانی، شیخ حمدالله (وفات: ۱۲۶ق/ ۱۵۲۰م) آغاز می‌شود و خوشنویسان تا قرن بیستم را دربر می‌گیرد. در این شجره‌نامه‌ها، برای سهولت